خبر

با توجه به شیوع آنفولانزای فوق حاد پرندگان

شکار پرندگان وحشی در گلستان ممنوع شد

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان گلستان گفت: به علت شیوع آنفولانزای فوق حاد پرندگان وحشی در کشور، پروانه شکار پرندگان وحشی در استان گلستان لغو شد. اسماعیل مهاجر اظهار داشت: براساس اعلام سازمان حفاظت محیط زیست مبنی بر شیوع آنفولانزای فوق حاد پرندگان در کشور، هرگونه شکار پرندگان از امروز در استان گلستان ممنوع است و تا اطلاع ثانوی پروانه جدیدی برای شکارچیان صادر نمی‌شود. وی افزود: بر همین اساس اعتبار پروانه‌های شکار برای شکارچیان در طول مدت شکار صادر شده ، باطل است و با هرگونه تخلف برخورد قانونی انجام شده و به دستگاه قضایی معرفی خواهند شد. مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان گلستان تصریح کرد: با هرگونه تخلف برخورد کرده و هموطنان می‌توانند تخلفات را با سامانه ۱۵۴۰ یا ۰۱۷۳۲۵۴۵۴۶۳ اطلاع دهند. وی همچنین گفت : خرید و فروش پرندگان شکاری و پرندگان مهاجر در سطح استان گلستان ممنوع است.مهاجر اظهار داشت: طبق اعلام سازمان دامپزشکی کشور، ایران با شیوع آنفولانزای طیور مواجه است که این آنفولانزا منجر به کشتار بعضی از طیور اهلی و پرورشی در برخی از استان‌های کشور از جمله تهران و اراک شده است. مهاجر با اشاره به اینکه پرندگان مهاجر نواحی سیبری ناقل بیماری آنفولانزا بوده‌اند، ابراز کرد: متاسفانه امسال شاهد افزایش شیوع بیماری آنفولانزای طیور هستیم که شاید منجر به معدوم شدن چندین قطعه مرغ پرورشی هم شود. مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان بیان داشت:به منظور جلوگیری از بروز بیماری، سازمان محیط زیست مامور شد تا خرید و فروش تمامی پرندگان شکاری از جمله طیور روستایی که واکسینه نشده‌اند و یا در خطر هستند، ممنوع کند. وی از مردم نیز خواست در صورت مشاهده پرندگان تلف شده از نزدیک شدن و لمس آنها خودداری کرده و مراتب را به سامانه ۱۵۴۰ اطلاع دهند.

«»

با توجه به هزینه بالای تولید کالاهای صنعتی در استان

توان رقابت از تولیدکنندگان سلب شده است

رئیس اتاق بازرگانی ، صنایع ، معادن و کشاورزی گرگان گفت:هزینه تولید در کالاهای صنعتی استان بالا بوده و توان رقابت را از تولید کنندگان گرفته‌است.رمضان بهرامی در ششمین جلسه کارگروه توسعه صادرات افزود:۲۰کشور جهت توسعه کشور های هدف صادراتی توسط اتاق بازرگانی استان مورد بررسی قرار گرفته است و با تعدادی از سفرا نیز دیدار داشته ایم. رییس اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی گرگان اظهار داشت : با عنایت به اهمیت توسعه صادرات در رونق اقتصاد ، می بایست زیر ساخت های صادراتی تامین گردد. بهرامی عنوان کرد: بخش خصوصی به تنهایی نمی تواند در بازار کشور های CIS موفق شود و به همراهی دولت در تسهیل مراودات نیازمند است.معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استانداری گلستان نیز در این جلسه گفت: زحمات همه تولید کنندگان باید منجر به فروش و صادرات محصولاتشان شود. محمود ربیعی معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استانداری گلستان ، گفت : تحقق موضوع برون گرایی بعنوان یکی از مهمترین محورهای اقتصاد مقاومتی در واقع بر تولید صادرات محور و تلاش بر رشد و توسعه صادرات غیر نفتی تاکید دارد و باید زحمات همه تولید کنندگان منجر به فروش و صادرات محصولاتشان شود .وی افزود : شرایط اقتصادی کشورهای هدف صادراتی، بر اقتصاد و صادرات ما نیز تاثیر می گذارد ، چنانکه امروز شاهد هستیم با نوسانات قیمت نفت و بروز مشکلاتی در اقتصاد کشورهایی نظیر ترکمنستان و عراق، صادرات استان ما نیز آسیب دید .وی گفت: از این رو لازم است با تشکیل کمیته ای، در راستای توسعه بازارهای هدف صادراتی خود گام برداریم تااین کمیته ضمن بررسی بازارهای جدید ، برنامه های مدونی را برای توسعه این بخش پیش بینی نماید .معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استانداری گلستان همچنین بااشاره به تزریق تسهیلات رونق تولید به واحدهای تولیدی در سال اقتصاد مقاومتی ، اقدام و عمل ، گفت: با تصمیم دولت تسهیلات بسیار خوبی در سالجاری به واحدهای تولیدی تزریق شده است ، که ثمرات آن در خروج از رکود بسیاری از واحدهای تولیدی و افزایش اشتغال آنها از هم اکنون قابل رویت است.

سیب‌زمینی کاران، دل‌نگران بازار فروش

عدم بازار متناسب برای فروش داخلی، رعایت نکردن الگوی کشت و نبود صنایع تبدیلی وابسته به سیب‌زمینی از جمله مشکلات مهم در بحث این محصول قلمداد می‌شود، از این رو کشاورزان گلستان با نگرانی بیشتری این روزها به سمت کشت این محصول می‌روند.به گزارش فارس ، تقریبا هر سال از اواسط آذرماه کشت سیب‌زمینی در گلستان آغاز می‌شود. محصولی که در چند سال گذشته با مشکلات عدیده‌ای در زمان فروش مواجه است تا جایی که نه تنها این محصول سود مناسبی را عاید کشاورزان نمی‌کند بلکه خسارات جبران‌ناپذیری را نصیب این قشر می‌کند.

عدم بازار مناسب فروش برای سیب‌زمینی

در همین رابطه یک کشاورز گلستانی نبود بازار مناسب برای فروش سیب‌زمینی را یکی از مشکلات مهم سیب‌زمینی‌کاران بیان کرد و اظهار داشت: در سال‌های گذشته بازار صادرات برای محصول سیب‌زمینی مهیا بود و وضعیت سیب‌زمینی‌کاران نیز مطلوب بود اما کاهش صادرات و مشکلات اقتصادی در بازار داخلی موجب شده است تا در چند سال اخیر خسارت‌های فراوانی عاید کشاورزان شود. این کشاورز ادامه داد: پایین بودن قیمت خرید این محصول برداشت آن را برای کشاورز مقرون به صرفه نخواهد کرد بنابراین سال گذشته بسیاری از کشاورزان هم چون من ترجیح دادیم تا سیب‌زمینی را برداشت نکنیم و در زمین خوراک دام شود چرا که به فروش آن خوش‌بین نبودیم. وی بیان کرد: خرید تضمینی سیب‌زمینی هم در استان بسیار محدود انجام می‌شود و نمی‌تواند گره‌ای از مشکلات سیب‌زمینی‌کاران را باز کند اگر صنایع تبدیلی مرتبط با سیب‌زمینی در استان وجود داشت شاهد خسارات کمتری به کشاورزان بودیم. کشاورز گلستانی خاطرنشان کرد:البته شاید کشاورزان نیز در بوجود آمدن بخشی از مشکلات نقش داشته باشند چرا که اغلب بدون توجه به هشدارهای سازمان و پیش‌بینی سطح کشت محصولات اقدام به کشت محصول می‌کنیم که در نهایت با وجود هزینه‌ای زیاد که طی مرحله کاشت تا برداشت متحمل شده‌ایم تنها ضرر عاید آنها خواهد شد.

محدود شدن کشت سیب‌زمینی در گلستان

در چند سال گذشته کشت سیب‌زمینی در استان محدود شده است با این وجود شاهد آن هستیم که این محصول بیش از مقداری که سازمان جهاد کشاورزی اعلام می‌کند در استان کشت می‌شود که این امر مشکلات سیب‌زمینی‌کاران را مضاعف‌تر خواهد کرد. مدیر زراعت جهاد کشاورزی استان کشت بیش از تقاضا سیب‌زمینی را یکی از مشکلات زمان فروش این محصول دانست و اظهار کرد: با توجه به مشکلاتی که هر سال در حوزه فروش سیب‌زمینی در استان وجود دارد امسال برنامه کشت این محصول محدود شده است اگرچه برنامه کشت ۳ هزار و ۸۰۰ هکتار در استان است اما پیش‌بینی می‌شود تا ۴ هزار و ۲۰۰ هکتار و شاید بیشتر در استان کشت شود. محمدرضا عباسی با بیان اینکه هرسال به کشاورزان هشدار می‌دهیم تا بیش از تقاضا سیب‌زمینی را کشت نکند تا با مشکل فروش مواجه نشوند افزود: سال گذشته برای بخش محدودی از محصول، صادرات اتفاق افتاد که البته برای کشاورزان خیلی سود به همراه نداشت و در واقع هزینه‌ای بود که بازرگانان برای تنظیم بازار تقبل کردند و مقداری به تنظیم بازار کمک شد. وی ادامه داد: امیدوارم امسال به بازرگانان یارانه و مشوق صادراتی پرداخت شود تا در زمان برداشت سیب‌زمینی شاهد مشکلاتی برای فروش این محصول نباشیم البته با توجه به وضعیت کشور نمی‌توان چندان به اختصاص مشوق‌های صادراتی امیدوار بود. مدیرزراعت جهاد کشاورزی استان در رابطه با خرید تضمینی این محصول گفت:به دلیل مشکلات اقتصادی کشور نمی‌توان به طور جدی در بحث خرید تضمینی سیب‌زمینی وارد شویم قیمت خرید تضمینی ۳۹۰ تومان است که تنها ۶۰ درصد هزینه کشاورز پرداخت می‌شود سال گذشته نیز قیمت به گونه‌ای در بازار تنظیم شد که نیاز به خرید تضمینی نداشتیم.عباسی ادامه داد: در شرایطی که بحث صادرات و صنایع تبدیلی در استان فراهم نیست کشاورزان باید با دقت بیشتری به نوع و مقدار کشت محصولات توجه کنند تا ضرری عاید آنها نشود در واقع باید سعی کنند بر اساس الگوی کشت نسبت به کشت محصولات اقدام کنند.

کشاورزان به رعایت الگوی کشت خوش بین نیستند

اگرچه به گفته مدیر زراعت جهاد کشاورزی استان رعایت الگوی کشت می‌تواند بخشی از مشکلات مربوط به حوزه کشاورزی استان را رفع کند اما یک کارشناس معتقد است حاکم بودن نظام خرده مالکی بر کشاورزی استان، نمی‌تواند رؤیای رعایت الگوی کشت را محقق کند. مهدی اسدی گفت: از آنجایی که به گفته کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی مهمترین وظیفه این سازمان ترویج است با چند هشدار و اعلام پیش‌بینی سطح کشت نمی‌توان کشاورز را مجاب به کشت یک یا چند محصول خاص در استان کرد. وی بیان کرد: کشاورز اغلب بر اساس عادت، وضعیت جوی و بازار فروش اقدام به کشت محصول می‌کند و مهمترین هدف در این فرآیند، رسیدن به سود است تا بتواند هزینه‌های متحمل شده در زمان کاشت تا برداشت را جبران کند. کارشناس کشاورزی استان گلستان ادامه داد: در شرایطی که کشاورز وضعیت اقتصادی مناسبی ندارد نمی‌توان از او انتظار رعایت الگوی کشت را داشت با این حال اگر چه آنها می‌دانند بعضی از محصولات مانند سیب‌زمینی شاید بازار فروش مناسبی نخواهد داشت با این وجود در بازاری که فاقد ثبات است حاضرند ریسک کنند و این محصول را به امید بازار فروش مناسب یک مرحله برداشت برسانند. اسدی خاطر نشان کرد: عدم ثبات در بازار فروش و تولیدات کشاورز موجب شده تا این قشر چندان اعتمادی به کشت‌های معرفی شده از سوی سازمان‌های متولی نداشته باشند چرا که به عنوان مثال در استان که کشت دانه‌های روغنی جزو الگوی کشت محسوب می‌شود کشاورزان زمان فروش با مشکلات عدیده‌ای برای پرداخت وجه مواجه می‌شوند و این عوامل موجب خوش‌بین نبودن کشاورزان به برنامه‌هایی که از سوی سازمان‌های متولی اعلام می‌شود شده است.

در این میان برخی کارشناسان معتقدند فراهم نبودن صنایع تبدیلی مرتبط با محصول سیب‌زمینی یکی از مشکلات جدی در بحث فروش این محصول محسوب می‌شود. مدیر صنایع جهاد کشاورزی استان صنایع وابسته به کشاورزی را شرط لازم و محرک توسعه دانست و اظهار کرد: گلستان یکی از قطب‌های کشاورزی کشور محسوب می‌شود و یکی از صنایعی که می‌تواند در استان با قابلیت کشاورزی ایجاد شود صنایع تبدیلی و تکمیلی است. محمدتقی جهانشاهی با بیان اینکه در حال حاضر ۸۰ درصد از صنایع استان را صنایع تبدیلی و تکمیلی تشکیل می‌دهد بیان کرد: اگرچه در بعضی از محصولات ۳ تا ۵ برابر ظرفیت، صنایع تبدیلی در استان وجود دارد اما در محصولاتی مانند سیب‌زمینی به دلیل آنکه ایجاد صنایع وابسته با این محصول بیش از ۳۰ میلیارد تومان سرمایه لازم است و تا کنون چنین سرمایه‌گذاری اعلام آمادگی نکرده است در بحث ایجاد صنایع تبدیلی سیب‌زمینی در استان مشکل وجود دارد.

با توجه به موقعیت جغرافیایی گلستان و اقلیم مناسب برای کشت انواع محصولات اما نبود برنامه‌ریزی مناسب در حوزه کشاورزی و صنعت استان باعث شده تا هر ساله از محل کشت محصولاتی که به طور قطع می تواند با فراهم شدن زیرساخت‌ها برای صادرات و فرآوری آن برای استان ارزش افزوده ایجاد کند تنها ضرر عاید کشاورزان می‌شود بی‌توجهی به چنین مواردی به‌طور قطع امنیت غذایی کشور را در بلندمدت با مشکل مواجه خواهد کرد از اینرو لازم است تا مسؤولان ذیربط با حساسیت و توجه بیشتری به مهم‌ترین بخش اقتصادی استان یعنی کشاورزی نگاه کنند.

با حضور سازندگان بخش خصوصی؛

موانع رونق ساخت و ساز در گلستان بررسی شد

فعالان بخش خصوصی صنعت ساختمان در گلستان؛ افزایش هزینه های انشعاب آب، برق، گاز، نواقص و اجرایی نشدن قانون پیش فروش ساختمان، هزینه های دریافتی شهرداری و نرخ وام بانکی و سود سپرده گذار را از موانع رونق ساخت و ساز در این استان بیان می کنند. به گزارش ایرنا، جمعی از سازندگان بخش خصوصی به تازگی در نشستی با حضور مسؤولان دست اندرکار بخش دولتی گلستان به بیان مشکلات و موانع رونق ساختمان سازی و مسکن در استان پرداخته و خواستار رفع آن و یافتن راهکارهایی برای رونق این حوزه شدند. دراین نشست رئیس انجمن انبوه‌سازان ساختمان گلستان با بیان اینکه زیرساخت لازم برای اجرای قانون پیش‌فروش مسکن در کشور وجود ندارد، گفت: قانون پیش‌فروش بعد از گذشت سه سال از ابلاغ رسمی، هنوز در استان‌ها اجرایی نشده است.

سید محمد مرتضوی با بیان اینکه این قانون نواقصی دارد، افزود: پیش فروش یکی از قسمت‌های مهم و تاثیرگذار در رونق ساخت و ساز به شمار می‌رود و باعث می شود که انبوه‌سازان درگیر پرداخت بهره‌های بانکی نشوند. وی بیان داشت: در سال ۱۳۸۹ قانون پیش فروش با ۲۵ ماده و پنج تبصره تصویب شد، ولی بعد از گذشت سه سال از ابلاغ رسمی این قانون در استان‌ها، اجرایی نشده است. مرتضوی همچنین با بیان اینکه بخش زیرساختی برای اجرای این قانون در کشور وجود ندارد و نیاز است که الزاماتی در آن دیده شود، گفت: مشکلاتی که این قانون دارد، ظرفیت پیش‌فروش را از انبوه‌سازان و سازندگان خواهد گرفت. به گفته وی؛ در انجام پیش‌فروش وجه اندکی از سوی خریدار پرداخت می‌شود و اصرار خریدار بر این است که در دفتر اسناد رسمی انتقال سند و قرارداد صورت گیرد و این موضوع باعث می‌شود که در دریافت تسهیلات بانکی سازندگان با مشکل روبرو باشند.

وی اضافه کرد: از سوی دیگر بسیاری از ساخت و سازها در قالب مشارکت انجام می‌شود و در بخش دولتی امکان انتقال سند رسمی برای مشارکت کننده وجود ندارد و باید ساخت و ساز به مراحل اصلی برسد و اسناد رسمی در اختیار قرار گیرد. رئیس انجمن انبوه‌سازان ساختمان گلستان اظهار امیدواری کرد که اداره ثبت، راه حلی برای ثبت معامله پیش فروش با نحوه پرداخت، فسخ قرارداد و روادید با خریدار در نظر گیرد.

وی همچنین از افزایش نرخ فروش انشعاب برق و آب توسط دستگاه های خدمات دهنده گلایه کرد و افزود: امسال فروش انشعاب برق افزایش قابل ملاحظه ای داشته به طوری که هزینه آن ۵۰ درصد بیشتر شده است. مرتضوی با بیان اینکه در فروش انشعاب آب و فاضلاب هم با افزایش هزینه توسط دستگاه مربوطه مواجه هستیم، گفت: نشست‌هایی در راستای هماهنگی و همکاری با مسئولان شرکت آب و فاضلاب شهری گلستان انجام و منجر به قسط بندی خرید انشعاب شد که این اقدام، کمک خوبی برای انبوه‌سازان بود.

وی افزود: در خرید انشعاب برق از شرکت توزیع برق نیز انتظار است نسبت به قسط بندی خرید همکاری کرده ، یا اینکه هزینه را در زمان نصب شمارشگر دریافت کند. رئیس اتاق بازرگانی، صنایع معادن و کشاورزی گرگان نیز گفت: خروج بخش مسکن از رکود، تنها از طریق کاهش سود وام های بانکی میسر می باشد و به عبارتی این سود باید در تسهیلات و سپرده‌گذاری کاهش پیدا کند و تا زمانی که این اتفاق نیفتد، مسکن رونق نمی‌گیرد. رمضان بهرامی افزود: مسکن از بزرگترین بخش های اقتصادی کشور می باشد که به طور مستقیم حدود ۵ درصد و غیرمستقیم تا ۱۳ درصد از تولید ناخالص داخلی به آن وابسته است و رفع موانع آن از جمله در حوزه بانکی، ضرورت دارد. به گفته وی؛ اهمیت بخش مسکن در کشور از این جهت بیشتر می‌شود که این کالا ۳۳ درصد از هزینه خانواده‌های ایرانی را در بر می گیرد، اکنون زمان انتظار خانه‌دار شدن ایرانی‌ها ۱۲ سال است، در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته شاخص توان‌پذیری خانواده‌ها ۳ تا ۵ سال می باشد. شهردار گرگان نیز با بیان اینکه هر چقدر اقتصاد و وضعیت کاری فعالان حوزه مسکن بهتر شود، کسب و کار و اقتصاد شهری هم رشد خواهد کرد، گفت: برای ایجاد هر ساختمان تعدادی افراد در قالب جوشکار، بنا، گچ‌کار، برق‌کار و لوله‌کش مشغول فعالیت می‌شوند و این بر اقتصاد شهری تاثیرگذار است.

حسین صادقلو افزود: با توجه به اهمیت و نقش فعالان حوزه صنعت ساختمان، نباید هزینه‌های مضاعفی را برای انبوه‌سازان مسکن در استان ایجاد کنیم. وی گفت: طبق وظایف قانونی شرایط به گونه‌ای است که اخذ مجوزها در شهرداری‌ها سخت‌تر است، ولی در شهرداری گرگان پروانه ساختمانی دو ماهه صادر می شود، هرچند در نظام مهندسی ساختمان روال رسیدگی نزدیک به ۴ ماه طول می‌کشد.

صادقلو با بیان اینکه سازمان نظام مهندسی ساختمان می‌تواند با تمهیداتی، روند اخذ مجوزهای دیگر را تا اعطای مجوز و پروانه ساخت تسهیل کند، افزود: با وجود داشتن سختگیرانه‌ترین شرایط اداری، ولی در قالب ضوابط و مقررات با سازندگان ساختمان در گرگان همراهی می شود. وی با بیان اینکه در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ هیچ افزایش قیمتی بر عوارض ساختمان نداشتیم، گفت: تلاش می شود که فشار اضافی بر سازندگان مسکن در گرگان وارد نکنیم.

شهردار گرگان ، آمار تعداد پروانه ساختمانی را مظهر توانمندی ساخت و سازندگی برشمرد و گفت: در سال‌های اخیر این آمار در مرکز گلستان کاهش داشته است. به گفته وی؛ سال ۱۳۹۲ حدود ۷۲۰ هزار متر مربع ساخت و ساز داشتیم، این آمار در سال ۱۳۹۳ به ۳۵۰ هزار متر مربع، در سال ۱۳۹۴ به ۲۸۰ هزار متر مربع و امسال به ۸۰ هزار متر مربع کاهش یافته و بیانگر آن است که سازندگان ساختمان با چه مشکلاتی مواجه هستند.

معاون هماهنگی امورعمرانی استانداری گلستان نیز گفت: دولت به دنبال تقویت ساخت مسکن و ساختمان است و در این مسیر نخستین قدم را باید شهرداری‌ها بردارند. رضا مروتی اظهارداشت: در سال‌های اخیر سازمان نظام مهندسی ساختمان از افزایش چشمگیر هزینه‌های نظارت بر طرح‌های ساختمانی ممانعت کرده است وی با بیان اینکه انبوه‌سازان معتقدند که نزدیک به چهار میلیون ریال هزینه ساخت هر مترمربع مسکن صرف بخش‌های غیر ساخت و ساز می‌شود و درخواست حذف این هزینه‌ها را دارند، گفت: این هزینه‌ها قابل حذف شدن نیست، چرا که برای ایجاد قوانین مدنی و امنیت در ساخت و فروش است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. به گفته وی؛ برای کاهش اختلاف و دیدگاه‌ها، کمیته ای چهار نفره با حضور سازمان نظام مهندسی، انجمن انبوه‌سازان، بخش خصوصی و امور عمرانی استانداری برگزار می شود تا اختلاف نظر و دیدگاه‌ها به کمترین حد برسد. وی بر رفع قوانین پیش فروش مسکن و کاهش هزینه ها با مشارکت دستگاه های خدمات رسان در استان برای رونق صنعت ساختمان نیز تاکید کرد. استاندار گلستان نیز صنعت ساختمان را در ایجاد فرصت های شغلی مهم بیان کرد و گفت: وظایف دستگاه‌های اجرایی استان برای بهبود شرایط ساختمان بررسی شود و خیلی از اختلاف نظرها را می‌توان با یک نشست و طرح موضوع بین بخش دولتی و خصوصی رفع کرد.

حسن صادقلو افزود: برخی از ظرفیت‌ها برای رونق صنعت ساختمان استان در حوزه اختیارات کارگروه تسهیل و رفع موانع است که باید مشکلات آن به دقت بررسی و مصوبه های اجرایی خوبی برای رفع آن تصویب شود. وی در خصوص قانون پیش فروش ساختمان هم گفت: در قانون پیش‌فروش اگر اصلاح قوانین ضرورت دارد باید با نشستی با نمایندگان و یا در نامه‌ای مشکلات مطرح و برای رفع آن تصمیم گیری شود. به گفته وی؛ شاید دیدگاه سازندگان این است که قانون پیش فروش با در نظر گرفتن خواسته خریدار نوشته شده و مشکلاتی ایجاد کرده است که باید بررسی شود. استاندار گلستان همچنین تاکید کرد که هر آنچه در اتاق فکر و شورای گفت و گو در خصوص اصلاح قانون به نفع تولید و رفع رکود باشد و با نگاه هر دو طرف خریدار و فرشنده تنظیم گردد، را پیگیری خواهیم کرد. در استان گلستان حدود ۹ هزار دانش آموخته در بخش صنعت ساختمان فعالیت دارند.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت دوم

جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت دوم شرکت تعاونی مرزنشینان کرند گنبد در ساعت ۱۰ صبح روز یک شنبه مورخ ۱۳۹۵/۹/۲۸ در محل گنبد کاووس روستای کرند مجتمع فنی و حرفه ای تشکیل می گردد از کلیه اعضا محترم دعوت می شود جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات زیر در این جلسه حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:
۱ـ گزارش هیئت مدیره و بازرس شرکت تعاونی
۲ـ بررسی و تصویب صورتهای مالی سال ۹۴
۳ـ بودجه پیشنهادی سال ۹۵
۴ـ تصمیم گیری در خصوص نحوه دعوت اعضا برای مجامع عمومی
۵ـ تصمیم گیری در خصوص انتخاب بازرس شرکت تعاونی به مدت یک سال مالی

لازم به یادآوری است که:

ـ اعضای تعاونی می توانند نماینده تام الاختیار (از میان اعضای تعاونی یا خارج از آنان) برای حضور در مجمع و اعمال رای تعیین نمایند تعداد آرای وکالتی هر عضو سه رای و هر شخص غیر عضو تنها یک رای خواهد بود و بنابراین اعضای محترم در مورخه ۱۳۹۵/۹/۲۷ از ساعت ۱۰ صبح لغایت ۱۳ در محل دفتر شرکت تعاونی واقع در گنبدکاووس خیابان بعثت غربی طبقه دوم مسجد جامع جهت تائید وکالتنامه و برگه حضور در مجمع عادی به همراه عضو و نماینده تام الاختیار با در دست داشتن مدارک معتبر شناسایی و برگه سهام حضور بهم رسانند.

ـ داشتن مدارک معتبر شناسایی و برگه سهام حضور بهم رسانند.

هیات مدیره شرکت تعاونی مرزنشینان کرند گنبد

لبه‌ی جدول

شهر ۴۰ تیکه (۵)

ناهیدا احمدپناه

> در لبه ی جدول نگاه تازه ای است به گوشه گوشه ی شهر گرگان همان چیزها که چشم به دیدنشان آمخته شده و دیگر نمیبینیمشان همان روزمرگی شهر در کنار معرفی گوشه ، کنار شهر
>
> کوشیده ام دلشوره های آدم ها از نگاهشان بخوانم و بنویسم با تعهد به راه رفتن در لبه جدول،کوتاه نویسی و نگارش فارسی تا آنجا که خواننده را به بیزاری نکشاند باهم در لبه ی جدول قدم بزنیم

بارانی بود. از آن باران های همیشگی شمال بی صدا و آرام که باید ساعت ها زیرش راه بروی تا باور کنی آسمان مهربان شده و مهمانت کرده. فهمیدم راه رفتن روی لبه ی جدول سخت تر از همیشه است. بهانه ای بود برای در رفتن از زیر بار تعهدی که معنایش را نمی دانستم، ولی انگار یک جور دلبستگی بین ما درست شده بود که هر بار پررنگ تر می شد و روی لبه خاطرم جمع تر بود که تمام حواسم پی کار است و لبخندم پررنگ تر می شد. کسی زیر باران قدم نمی زد و مسیر پیاده رَوی خالی از راه پیماهای هر روزه بود. چشم دنبال مغازه ها گرداندم و از پشت انبوه برگ های بیش تر سبز و کم تر نارنجی و زرد، تابلو رنگارنگ بیش تر زرد و نارنجی «۲۰ تیکه» را پیدا کردم. چرا ۲۰ تیکه ۴۰ تیکه نشد نمی دانم باید یک بار دست به جیب شوم شاید راز ۲۰ تیکه ای بودنش را بفهمم. صدای آشنای رفتگر نگاهم را از ۲۰ تیکه ی نیمه نارنجی به مرد نیمه نارنجی پوش کشاند. کاپشن نارنجی و خاکستری، ترکیب رنگ آرامش بخشی بود و بیش ترجاروی بلند در دستش قشنگ بود، مانند انشاهای دوران کودکی اما این جا رودررو و شفاف. شبیه پارو زدن، یک حرکت تکرارشونده و خوشایند با صدایی خوش آهنگ که با نم باران، گرفته تر و دل نشین تر شده بود. دلم خواست جارو را یک دم بگیرم و دو دست به دل بسپرم. رقص هلالی دم جارو و جای دست ها روی دسته و حس خوب به صدا درآوردنش را در خیال تمرین کردم. از لبه ی جدول که فرود می آمدم نگاهی به اطراف انداختم. خلوت بود. نهیب زدم. دلت را بردار، راحت را بکش و برو. آن که دنبالش می گردی او نیست... ادامه دارد

خبر

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان اظهار داشت؛

اعطای تسهیلات با کارمزد پایین برای ایجاد اشتغال در روستاها

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان از اختصاص مبلغ ۲۰۰ میلیارد ریال تسهیلات با کارمزد پایین برای اجرای طرح های اقتصادی و نیز ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی این استان خبر داد. سعید مازندرانی اظهار داشت: این تسهیلات با کارمزد چهار تا هشت درصد، برای اجرای طرح های اقتصادی و تولیدی درمناطق روستایی این استان اختصاص یافته است. وی بابیان اینکه سقفی برای میزان تسهیلات پیش بینی شده وجود ندارد و درصورت تقاضا از سوی روستاییان، مجددا تسهیلات دراختیار استان گذاشته می شود، گفت: این تسهیلات در راستای سیاست های ابلاغی دولت درحوزه تحقق اقتصاد مقاومتی بویژه درمناطق روستایی می باشد.

مازندرانی، بخش تعاون را از مهمترین ظرفیت ها برای تحقق اقتصاد مقاومتی و ایجاد اشتغال برای جوانان دانست و اضافه کرد: تنها در گنبدکاووس افزون بر دو هزار تعاونی وجود دارد که می توان از ظرفیت آن در رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال بهره گرفت. وی به فعالیت ستاد تسهیل و رفع موانع تولید در گلستان نیز اشاره کرد و گفت: این ستاد از ابتدای فعالیت تاکنون افزون بر پنج هزار میلیارد ریال تسهیلات در اختیار واحدهای تولیدی راکد، نیمه فعال و یا طرح های تولیدی استان قرار داده است.

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان یادآور شد: نظارت بر تسهیلات دریافتی واحدها در هزینه کرد درست تسهیلات و تعهد ایجاد اشتغال آنان باید به صورت مستمر از سوی اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی در شهرستان ها صورت گیرد. مازندرانی، استفاده از همه ظرفیت های ادارات و نهادهای شهرستانی، استفاده از ظرفیت صندوق کارآفرینی امید بویژه پرداخت تسهیلات اشتغالزایی به افرادی که به هر دلیلی شغل خود را از دست داده اند، حمایت از تشکل های کارگری و کارفرمایی با رعایت عدالت، تعامل با سایر دستگاه های اداری و توجه به امور معیشتی کارگران را از مهمترین رویکردهای اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گلستان و ادارات زیر مجموعه آن برشمرد و بر آن تاکید کرد.

شعر

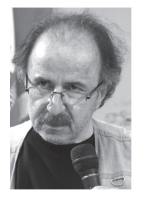

■ مختار رنجیده یامچی

امشب به سرم زد بنویسم غم خنیاگری ات را
پنهان کنم از دیده مردم، شب خاکستری ات را
من حنجره ی زخمی شب های سکوتم که چنین تلخ
فریاد زدم تا بگشایی گره روسری ات را ؟!
آواز بخوانی سر کوچه به همان سبک قدیمی
تا زنده کنی هم من و هم عاشق حاجیلری ات را
یکبار دگر باز برقصی و برقصانی و با شور
بر دامنه ی دشت بپاشی هنر آذری ات را
گفتی تو که :عاشق شدن و ناز کشیدن دم پیری
سخت است ،ولی می روم آخر که بیایم پری ات را

«»

■ محمد حسن زاده

عشق درگنجه ی چشمان زنی مستتر است
که از احوال دل خون شده ات با خبر است
خوب می دانم و باز آمده ام تن بدهم
عشق رفتار کج و رابطه ای پرخطر است
هرچه من می کشم از منطق چشمان تو نیست
بلکه از سفسطه ی تلخ دلِ بی پدر است
دلخوشم خستگی ام پیش تو در خواهد رفت
حیف! لبهای تو آلوده به زهر قجر است
هر کجا عشق تعارف شده سهمم سنگ است
جنس این دوره،مدرنیته ی عصر حجر است
بر سر دارم و چشمم به دو دست شبلی ست
زخم سنگ از طرف همنفست سخت تر است
باز یوسف شدم و صاف به زندان رفتم
برده را هرچه گرانتر بخری دردسر است

«»

شاعران در زمانه‌ی عسرت چه می‌کنند؟

فریاد ناصری

بار دیگر این پرسش که شاعران در زمانه‌ی عسرت چه می‌کنند؟ این پرسش برای نوشتن متنی پیش روست که نخست قرار بود تفاوت‌ها و تفارقات شعر و رسانه را بررسد اما حکایت این روزها واجب کرده‌است، گامی تکراری را در راه رشدمان مکرر کنیم تا بگوییم زمانه از قضا در عسر نیست بلکه آبستن هزار واقعه است و شاعران دقیقن به معنای درست و اخص این کلمه و بعد در معنای عامش آنها که زندگی‌شان اندیشیدن و قلم است مشغول چه کاری‌اند؟ حالا که مطالبات حق‌خواهی چنان عیان شده است که از هر کرانه تیر دعایی به سمت آسمان می‌رود که فرجی حاصل شود. این خیل عظیم مشغول چه کاری است؟ بهتر نیست که اینان نیز به موقعیت نمادین خود بیندیشند و وظیفه‌ی خود را که بر زمین مانده است دوباره بر عهده بگیرند. تا صدای عدالت‌خواهی رساتر شود. گو اینکه در این طلب هیچ دستور بوطیقایی برای نوشتن شعر، شعری از آن دست که رسانه باشد در کار نیست. از طرفی هم با خیل رسانه‌های کارای امروزی حماقت است که شعر را به چنین عملی واداشتن، چرا که قرار دادن چیزی‌ست در جای چیزی دیگر، اما آیا وقت نشان دادن آن هوش و ذکاوتی که آورنده‌ی حدس صائبی‌ست که زمانی شاعران نیز از آن سهمی داشتند، نرسیده است؟ هوش و ذکاوتی که آنها را پیش‌قراولان تحولات می‌کرد. اکنون قطار به راه‌افتاده‌است اگر این خیل نجنبند این‌بار اینانند که آن حرف غریب نیما شامل حالشان می‌شود: شما دیر رسیدید قطار حرکت کرده‌است. باید نشان دهیم که اکنون که خواست‌ها و مطالبات به درون بدنه‌ی مسلط کشیده شده است ما نیز بی‌تفاوت نیستیم بل‌که این مطالبات را به حق می‌دانیم و با آن هم‌نوا و همراهیم و حتا اینها را تنها مطالباتی حداقلی می‌دانیم و خواهان تحولاتی بنیادین در چرخه‌ی امور هستیم.

گلشن مهر
روزنامه
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

تحولات اجتماعی و شعر تجربه گرای دهه های هفتاد و هشتاد در ایران

آنچه بر شعر گذشت...

علی قنبری شاعر، نویسنده، مترجم و پرفورمر و از شاعران دهه هفتاد است که همیشه دغدغه ی تجربه گرایی دارد. مجموعه شعرهای «نقطه پشت فعل خراب یا فرانتزکافکای پشت جلد»، « نامه به / از رویا و ضمائم پاره وقت»، « یک ساعت سعد با مارک وستندواچ» و «شعرماهی صیدناشدنی»، رمان«چسب و قیچی در گزارش یک ذهن اجاره ای» و ترجمه «شعر پست مدرن، پل هوور»، «منتخب اشعار کنستانتین کاوافی»، «منتخب اشعار آلن گینزبرگ» و پرفورمنس هایی نظیر«چطور یک کره را مکعب ببینیم» از آثار او هستند.« تاثیر تحولات اجتماعی بر شعر دو دهه ی اخیر» موضوعی بود که با او در میان گذاشتیم تا او از منظر و حال و هوای خودش در آن سالها به آن بپردازد.

ادامه مطلب شماره قبل

انقلاب دیجیتال در ابتدای دهه هفتاد شمسی(۱۹۹۲ م) بصورت وب جهان گستر عرضه شده بود اما از سالهای پایانی دهه هفتاد و آغازین دهه هشتاد تقریبا هر کشوری امکان اتصال به اینترنت را داشت. در واقع پس از ایجاد تغییرات اساسی در جوامع غربی در دهه ۱۹۹۰ ، انقلاب دیجیتالی بین توده های دنیای در حال توسعه ی دهه ی ۲۰۰۰ گسترش یافت. افزار انفورماتیک ،تکنولوژی پیشرفته و موج جهانی شدن ، مرزها را به مثابه ی موانع در هم شکست و سیالیت را تشدید کرد و مهم ترین توسعه ی تکنولوژیک مدرن برای نوشتن و خواندن اتفاق افتاده بود. حالا دیگر شاعران به صفحات مجازی هجوم می برند و هر کس برای خودش پنجره ای باز کرده بود و تمرکززدایی اساسی شکل گرفته بود. شاعران در حاشیه می توانستند با بالابردن بسامد نشر آثارشان، برای خودشان نامی دست و پا کنند. این پیشرفت ها، این انقلاب دیجیتال بعد از انقلاب گوتنبرگ و سپس تولید دستگاههای فتوکپی ارزان قیمت، محوریت و مرکزیت را بهم زده بود.

اما این جنبه ی مثبت قضیه است، معضلاتی هم در راه بود. حالا دیگر وارد عصری شده ایم که یک «نویسنده در خانه» نمی تواند کارها را به تنهایی پیش ببرد و موعد نقشمندی « نویسنده و رسانه اش» شده است. قدرت دیگر فقط در قلم نویسنده نیست بلکه وجه رسانه گی پررنگ او نیز حائز اهمیت است. پس کار کردن دیگر فقط نوشتن نبود بلکه وقت گذاشتن برای بروز هر چه بیشتر در صفحات مجازی بخش دیگر قضیه بود. اگر زمانی در دهه شصت و هفتاد آنچه را که به عنوان شعر غالب و اعلا می دیدید، شعری بود که در صفحات شعر مجلات معتبر ادبی منتشر می شد و بدین ترتیب شما با حجم بالایی از شعر مزخرف که در همان زمان هم تولید می شد، روبرو نبودید و اصلا نمی دیدید اما حالا به یمن اینترنت شما با تمامی آن حجم بالا روبرو می شوید. در واقع می شود که اگر زمانی «گزینش» مبتنی بر یک شایسته سالاری نخبه گرایانه اهمیت داشت حالا دیگر تبلیغات و حجم بالای رسانه گی بیشتر نقشمندی دارد. به هر رو این از جهت وجه مصرفی بیشتر اهمیت دارد یعنی اگر چه تاریخ نشان داده که تاریخ ادبیات یعنی تاریخ آوانگارد اما طبیعی است که سلیقه پاپ، سیطره ی عظیم تری بر صفحات مجازی دارد و اگر که انقلاب دیجیتال برخی شاعران را از شر سلیقه ناشران قدرتمند خلاصی داد اما از طرف دیگر ناشران باز به سراغ پسند غالب و رایجی رفتند که بر صفحات مجازی حاکم شده بود. در این برهه شرایط به کلی تغییر کرده بود. اگر زمانی در دهه چهل جمعیت زیادی برای شعرخوانی ها شاعران معتبر جمع می شدند و شعر اقبال بسیاری داشت و یا اگر در دهه هفتاد اشتیاق زیادی بین شاعران جوانی بود که می خواستند نمودارهای منفصلی در ادبیات ایران رسم کنند. اما در این دوره کم کم شعر پس رانده شده بود. سرگرمی های بسیاری به جای شعر در دسترس بود. فضای سیاسی و اقتصادی(بر خلاف صعود نرخ نفت) بدی بخصوص بعد از ظهور احمدی‌نژاد حاکم شد. اگر در دهه ی شصت بخاطر شرایط موجود یک گرایش سطحی به سمت عرفان گرایی در شعر ایران حاکم شد، در این دوره هم گرایش بسیاری به سمت ساده نویسی در شعر اتفاق افتاد. میزان مطالعه نزول کرد. مردم نه پولی برای خرید کتاب پرداخت می کردند، اگر پولی در بساط بود، وقتی نبود و اگر هم وقتی بود حوصله ای نبود. شرایط مثل بعد از جنگ جهانی دوم در انگلیس بود که شرایط بد اقتصادی باعث شده بود مردم فقط از کمدی استقبال کنند.

در دهه هشتاد اتفاق دیگری هم رخ داد. آنچه که به عنوان بهار مطبوعات در سال ۷۷ اتفاق افتاده بود کم کم به خزان بدل شد و همچنین صفحات ادبی روزنامه ها به دست افراد محافظه کاری افتاد و بطور غیربرنامه ریزی شده ای یک هجمه علیه شعر آوانگارد دهه هفتاد اتفاق افتاد و حرف شان هم این بود که «ما چیزی نمی فهمیم». یعنی اگر که شعر پیشرو و آوانگارد به دنبال یک متن «خواننده محور» و تاویل پذیر که مبتنی بر کهکشانی از دال هاست، حرکت می کرد و با پیشگیری جنبه های لکانی به دنبال چیزی نبود که با یک «ابژه بیرونی» تسکین داده شود و اساسا شعر زبان را یک شعر دموکراتیک تلقی می کرد و از دانای کل مستتر در اشعار دیگر اجتناب می کرد. آنها دنبال شعری بودند که آن را بفهمند. آنها خدایی را می خواستند که هدایتشان کند. در آن دوره شرایط اجتماعی تغییر کرده بود. شعری تحت عنوان «ساده نویسی» باب شده بود. در واقع «ساده نویسی» چیزی نبود جز اجازه بروز و ظهور شعری که همانطور که گفتم همیشه و در همه ی زمانها در حال تولید بود و حجم عمده شعرهای تولیدی را در برمی‌گرفت اما قبلا دیده نمی شد و اکنون به مدد فضای رسانه ای جدید و انقلاب دیجیتال دیده می شد و این بود که بعضی شاعران که «وجه مصرفی» را بیش از «وجه تولیدی» و خلاقانه ادبیات مد نظر داشتند به سوی آن گرایش پیدا کردند و شعر برایشان آن چیزی بود که نوعی رفراندم و عادت مالوف تعیین می کرد و نه روند همیشگی ادبیات تجربه گرا و نوگرا و خلاقه بر خلاف عادت مالوف. این بود که بازتولید آنچه که قبلا در کلاسه بندی شعر و در دهه های گذشته وجود داشت، مرسوم شد. از سوی دیگر شعر فی البداهه مبتنی بر زبان بصورت ابژه ای برای خود، خواننده سهل پسند را از آنچه انتظارش را دارد گمراه ساخته و موجب انفعال خواننده شده بود در حالیکه مولف در نقدهایش در حال جیغ داد بود که آی خواننده این متنی است ازآن تو و «از آن خود سازی» را ترویج می کرد اما در این میان یک پرسش اساسی هم مطرح بود: چرا افراد باید چیزی را تجربه کنند که به آن نیاز ندارند؟

از سوی دیگر در بین جریان تجربه گرا و نوگرا بحثی در میان کشیده شد که آیا هنر آوانگارد باید به سمتی برود که فاصله بین هنر و زندگی، و امر فرهنگی و امر اجتماعی را پر کند؟ آیا باید شعری که مبتنی بر امر والاست به یک خودآگاهی بورژوازی تعلق دارد؟ آیا شعری که بدین ترتیب می خواهد تولید شود و مرزهای نخبه گان وعوام را بردارد، آن شعری نیست که از مشی نگاه و گارد یک فاصله می گیرد و جذب شیوه ی زندگی و زیست پاپ می شود و ظرفیت انتقادی خود را از دست می دهد. این بود که من و تعدادی از شاعران رویکردی فارغ از دو جریان رایج را در پیش گرفتیم و با این باور که مرزهای نخبگان و عوام همیشه وجود دارد به سمت گونه ای از پاپ آرت و پلی کالچرالیسم حرکت کردیم که البته این گرایش من از همان دهه هفتاد هم در شعرهایی نظیر «نامه به رویا»، «عبدالحمید»، «گفتگو با یک داور فوتبال» و ...

همچنین در پرفورمنس‌هایم وجود داشت. در پرفورمنس «چطور یک کره را مکعب ببینیم» بنای اجرا را بر تفاوت بین شعر «در بین دو صفحه کاغذ» و «شعر در بین دو شخص» گذاشتم و اینکه شکل تازه اجرای شعری گرچه یک رویکرد تجربه گرایانه ست اما گرایش به گونه ای هم نفسی با تماشاگر یک رویکرد در جهت مصرف بورژوای است.

پنهان کاری میل و میل به پنهان کاری

درباره‌ی «فروشنده»ی اصغر فرهادی

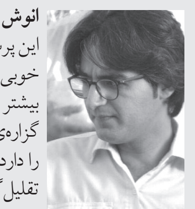

انوش دلاوری ـ «فروشنده» و این پرسش که چرا فروشنده فیلم خوبی‌ست و نه بیشتر؟ و این بیشتر اهمیت سترگی دارد چون گزاره‌ی «خوب‌بودن» این توان را دارد که به سرعت در ورطه‌ی تقلیل گری فروغلتد. انگار ناچارن باید به سراغ خود فیلم رفت.

فروشنده امکانات بسیاری دارد که فرهادی دست‌به‌عصا و ترس‌خورده و شاید هم بی‌توجه، نادیده‌ی‌شان می‌گیرد و از ساختن لحظات درخشان در وضعیت‌های پیشا و پسابحرانی جا می‌زند. هم پیش از حادثه‌ی در حمام و هم پس از آن(که به عکس بسیاری از شبه‌نقدها و تحلیل‌ها، نمایش یا عدم نمایش آن و یادآلیته‌ی انجام شدن یا نشدن تجاوز هیچ اهمیتی ندارد)، فیلم مستعد آن است که لحظات درخشان بسیاری در آن شکل بگیرند، چیزی درون بافت قصه نمود پیدا کند و غیاب‌ها تبدیل به نقاط قوت شوند؛ ورود به بیمارستان، گفتگو با همسایه‌ها، فردا در خانه و هنگامه‌ی مواجهه با جوراب و پول و کاندوم و سوویچ و موبایل و وانت و البته بیشتر از همه زن روسپی ندیده‌ی فیلم. ولی فرهادی با اصرار عجیبش در نمایش بی‌ظرافت نسبیت اخلاقی، به جای اینکه بیرون ایستاده و افسار را به دست حقیقت میان برخورد آدم‌هایش بسپارد، خودش جا به جا، کوتاه و بلند و کم و زیاد، به درون شخصیت‌هایش می‌رود و چیزهایی را به صورت ما می‌کوبد که باورش نمی‌کنیم. حتا تلاش‌های مستأصل اش هم مثل مورد پیرمرد همسایه و خشم باسمه‌ای‌اش کافی نیست و درنهایت نه نسبیت فیلم ریشه می‌دواند و نه آن رایحه‌ی خوشی که باید از پس فهم شرایط آن زن روسپی به مشام برسد. درست است که فیلم پنهان‌کاری ساختاری یک جامعه‌ی در بحران تمامیت‌یافته‌ی جنسی را نشانه می‌رود و حتا در لحظه‌ای عجیب و درخشان که بعدتر به آن می‌رسیم، سربلند بیرون می‌آید، ولی خب این تمام ماجرا نیست!فیلم همواره زن روسپی را پنهان می‌کند، هیچ از او نداریم جز مقداری وسایل خانه، تعدادی آدم که در دور ایستاده‌اند و از او می‌گویند و البته چند صدا روی پیغام‌گیر تلفن. این پنهان کردن، فرستادن به بیرون از قاب در افراطی‌ترین حالتش به جایی می‌رسد که ما حتا توان دیدن غیاب او را هم نداریم و این چیزی‌ست که خود فیلم خودش را از آن محروم می‌کند و درمی‌ماند. آن هم در حالی که فیلم برای نمایش این غیاب در بیرون از قاب خودش امکانات بالقوه‌ی بسیاری دارد؛ پیش از حادثه‌ی محوری در هنگام تمرین تئاتر، زنی به ظاهر از برهنگی‌اش می‌گوید، پوشیده است و براساس متن از برهنگی‌اش حرف می‌زند. از حمام بیرون می‌آید، لوندی و حرافی گستاخانه‌ای می‌کند، امکانی بی‌نظیر و آماده برای پیوند عنصر غایب، با طعنه‌ی پوشیدگی و برهنگی(چیزی که متن می‌خواهد و چیزی که واقعن هست و چیزی که باید به نمایش درآید) ولی فیلمساز ما با علم کردن ماجرایی پادرهوا از رابطه‌ی زن بازیگر آن نقش با بازیگر روبرویش، به ناگهان آن بازی را به‌هم می‌زند و در این به‌هم زدن آن‌قدر اصرار می‌کند که دیگر هیچ‌گاه به آن بازنمی‌گردد و تمام ارجاعات تئاتری‌اش خلاصه می‌شود در شرح عجز و ناتوانی شخصیت اصلی نمایش و رعنای آسیب‌دیده از حادثه و ناتوان در اجرای نقش، که در نهایت به عجز و ناتوانی خود«فروشنده»منتهی می‌شود و نه چیز دیگری!

اما آن لحظه‌ی درخشان و شدت‌مند؛ پیرمرد مسبب حادثه‌ی محوری و آن شکل راه رفتنش با آن لبخند بی‌نظیر و ویرانگر نهایی‌اش؛ این همان چیزی‌ست که فیلم به آن نیاز داشته و دارد و پیش از این هم می‌توانست لحظاتی با چنین کارکرد حسی/اندیشگانی‌ای داشته باشد. این لحظه چنان درخشان است که می‌شود به خاطرش از فیلم دفاع کرد و «فروشنده» را نجات داد و نویدبخش فرهادی‌ای بود که از پس این در انتظارمان است. و آیا این به تنهایی کافی‌ست؟ باید تکرار کرد که فیلم در نمایش حفره‌ای عمیق و پرناشدنی در دل جامعه‌ای که میل به پنهان‌کاری «میل» را با تشدید فراوان با خود حمل می‌کند، موفق است. از همان زن بازیگر پوشیده‌ی برهنه، از زنی که در تاکسی اظهار تلویحی به آزاردیدن می‌کند، چشم‌های تماشاگری که رعنا را آزار می‌دهد، تجسس عماد در موبایل دانش‌آموزش و درنهایت همان نقطه‌ی عطف، لبخند پایانی پیرمرد! همه‌ی این‌ها مفری هستند برای دفاع از فیلم، اما جایی که فیلم از آن جلوتر نمی‌رود پیوند استتیکی این‌ها(به جز صحنه‌ی پیرمرد)، با سینماست. فیلم در اینجاست که لنگ می‌زند، در همان پیله‌ی خودتنیده‌ی فیلمساز که حفره‌ی گفته شده، حفره‌ای نقب‌زده به درون خود فیلم نمی‌شود و فیلم در نهایت همانی می‌شود که رفیق ظریفی گفت: فیلمی متوسط که دوست دارم از آن دفاع کنم!

سیری در شعر مرتضی شاهین نیا

اسماعیل مهرانفر ـ شعرهای زیادی از مرتضی شاهین نیا خوانده ام و اولین اشاره ام به سمت سوژه در شعرهای اوست . یک تبیین و یک باز تولید از سوژه که در یک شعر ، بر روی ژاک پرور و در شعری دیگر بر روی کسی چون خالو متمرکز است . نگاه ما به شعر پیش از این و واکاوی کردن سوژه در شعر های‌شان پر از وجوه اشتراکی ست که در این باب نمی توانم مرتضی را از آن طیف جدا بدانم که نگاهی متفاوت به سوژه داشته اند . شخصا این نگاه متفاوت را در میان شاعران دهه‌های اخیر تنها و تنها مختص حجمی ها و خاصه رویا و بیشتر از او به شاعران شعر دیگر اختصاص می دهم . چرا که سوژه در شعر دیگر چون سیبل و یک نقطه ی کانونی ، چنان که در شعر معاصرانش موجودیت دارد نیست و گاهاً این نفس سوژه است که به خویش اشارت دارد . این خود سوژه است که می تواند مختصات تعاریف و پارامترهای بیرونی‌اش را هدف گرفته و در واقع یک پروسه ی در حال رفت و آمد را سازماندهی می کند . اینها را به صورت مقدمه آوردم تا گلایه ام را از مرتضی مطرح کنم و بگویم که چرا با وجود تجربیات موجود و با توجه به اینکه وضعیت های پیش از او ، خودشان در حال بازسازی بوده اند ، باز هم کنشی چون آن را به عرصه کشیده شده و اجرا می شود ؟

در بسیاری از شعرهایی که به من پیشنهاد شد تا بخوانم و درباره‌شان بنویسم ، یک ساز و کار نمایشی و گفتگو محور حاکم است . گاهی تلاش مولف بر این است که این گفتگو را پیرامون اتفاقاتی که زاییده ی ذهن خاطره نویس مولف است شکل دهد اما از آنجا که ذهن مولف مان تنها و تنها بازگوکننده است این گفتگو ها تنها در حد و حدود همان مونولوگ خطابه وار باقی می مانند و در نتیجه ما پس از خواندن چندین شعر ، خودمان را روبروی یک خطیب خوش لحن و خوش ریتم می بینیم که در تمامی حالات و آنات شعر با عناصر و ابژه‌ها و شخصیت های وارده اش به شعر در حال گفتگوست بی که این امکان را در اختیار صدایی دیگر بگذارد . شاید ترس او از این است که این عناصر و شخصیت ها هنوز آنقدر از جانب مولف دقیق و شکیل ، خلق نشده اند که مولف ایشان را به صحبت وا نمی دارد . همینجاست که شعر از تکنیکی چون چند صدایی دور می ماند و صدایی جز صدای خطابه های مولف به گوش نمی رسد .

مرتضی به از سر سطر نویسی هم عادت عجیبی دارد . و این در حالی ست که او تنها و تنها عادت عجیبی به از سر سطر نویسی دارد .

گفتمان موجود در شعر مرتضی شاهین نیا ، گفتمانی داستانی ست . روایتی که برخاسته از میل شدید مولف به قصه گویی و قصه نویسی ست . این شکل روایت گری به تمامی شعرهای او تسری می یابد و باعث می شود در یک نگاه کلان نتوان مرزبندی میان آثار وی را به درستی انجام داد . شاید عمده دلیل این ادعا که بیان کرده ام از نوع به کارگیری زبان و نحو منحصر به مرتضی شاهین نیاست . این اولین گامی ست که اگر به اشتباه برداشته شود تکلیف‌مان را با فرم روشن نکرده ایم . مثال مشهور دست و دستکش را اگر در مورد فرم شنیده باشید به خوبی گویای این مدعاست . فرم ، بدیل محتواست . اگر ویژگی‌های باطنی آن را چنانکه در قضیه‌ی دست و دستکش اعم از جنس پوست ، رنگ پوست و شکل ناخن ها و بزرگی و کوچکی دست به محتوا تعبیر کنیم و صورت و ظاهر کلی دست را از این ویژگی‌ها جدا بدانیم به تنها خصیصه‌ی اشتراکی دست ودستکش دست یافته ایم . این صورت ظاهری دست است که با ویژگی‌های مشترکی که با دستکش دارد تولید فرم می کند. در شعر مرتضی این اتفاق را نمی توان تحلیل کرد. نمی توان فرم را در شعر اواز محتوا تفکیک کرد. چرا که محتوا با تکیه بر پارامترهایی چون لحن و نحو و ریتم و نوع پرداختن‌اش به سوژه در کلیت کارهای او به شکلی واحد اجرا شده است و نمی توان با توجه به فرم ،در مورد هر شعری جداگانه سخن گفت .هر شعر و یا هر متنی می بایست در کلیتی که به آن نگریسته می‌شود دارای شخصیتی مستقل که در برخی تعاریف از آن به فرم تعبیر می شود باشد در غیر اینصورت می توان مولف را به حضور در معدنی متهم کرد که با توجهی تمام ، تنها و تنها در حال استخراج است و اصلا به گونه هایی که از معدن مورد نظر برداشت می کند توجهی ندارد و تمامی شان را در یک ظرف می ریزد.

شعر

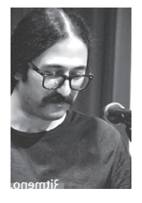

■ سهند آدم عارف

آینه ها را خلاصه کردیم
در کناره ی یک دشت
نام یک گل را به او گفتم
در کناره ی یک دشت
گل مغازه بند
در کناره یک دشت
فلانی پشت سر بهمانی آفتاب کرد
در کناره ی دشت
و این منحنی
فعالیت مغزی باغ را نشان می دهد

بر کناره ی دشت
آیا چگونه باغ
به مدهوشی خواهد آمد
ای بادهای ملایم زیرزمینی
این خاک های برنز را
روی پاهای باغ
روی درشت نی هاش هاش
بپلنید
وبگویید
این جادوی درشت نی هاش ست
شفقت‌انگیز شگفت خاور
در کناره ی دشت
اسلیمی روی دندان
اسلیمی به روی نیش
می‌کشیدیم

بر کناره دشت
آینه ها را بردیم پهن کردیم خلاصه
بر کناره ی دشت
هدایت‌ابروهایت
سرآمد مهارت ها بود
تا سر انجام
به‌مناسبت‌سالگرد‌بگیرند
که‌اهمیتش
مناسبت‌نیست
در کناره ی دشت
پس کلامی به آفتاب الصاق کن
و در کناره ی دشت
محو شو

بی مصیبت های اجاره و حمل
تا کناره های دشت
آواز های موتور خانه
خنک که شدند
صورتت از باد تاب خواهد خورد
زردپی اش را به تیرماه
می رسانم
بادتیرماه
این بار با اطمینان بر ما ترانه خواهد ریخت
بر نسیم تیرماه
بیاویز
آمیخته با ناخنک برق
از کناره ی دشت
گردآوری مجموعه ی پرسه هاتو عشقه
مجموع پرسه ها را گرد کردن
چیست ابر؟
مرز توانایی ت آنجاست ببین: یقین خواهی داشت در دانش مرز توانایی ها علامه ای
یک مقاله ساختی
تابستان‌ایستاد
بر کناره دشت
شفیق‌خفیف
روی سیم دوم
ملوان‌هشتم
منبت‌شانزده
زنگ زد
ایستادفصل
به یک اشاره ی تو
بی ترانه و سفر انگیز بود

«»

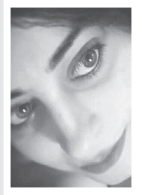

■ سمیرا نیک نوروزی

زنگ جهانی سوم
هزار سال از تو فاصله گرفتم
تا به خودم برسم
هزار اسب در دلم بخار شد
تا با هزار اسب بخار
از هزاره ی خواب های تو بگذرم
بگو با دلم چه کنم
که نمی آید از خواب بیرونت کنم چه کنم
که هربار دورتر می شوی
اسب های وحشی ام، توان بیشتری
برای تاخت وتاز و لگد کوب دارند
دلم نمی آید بگویم
هرچه فکر میکنم
تو از چشمی این برنو زیباتری
می تازم و دور می شوم
دلم شور می زند
که‌شلیک
به هدف بخورد
به هدف نخورد
مبادا از هزاره ی خواب هایم بیدارت کنم
و جنگ جهانی سوم
از برنو خوش دست زنانه آغاز شود
شهریور مرد در مرداد